

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز

۲۰۰۹/۲۳/۴

سه تاکتیک امپریالیستی در انهدام وحدت ملی

امپریالیسم جهانی برای بهره برداری از سرزمین های متصرفه، ستراتیژی و تاکتیک هائی مختلفی را بکار میبرد تا اشغال را تداوم بخشد و استعمار را تعمیق گرداند. هراس امپریالیسم جهانی از وحدت ملی مردم کشور های اشغالی است، زیرا شکست و مرگ متجاوزین از همان روز آغاز میشود. عکس آن یعنی تفرقه افگنی و تشتت و پراکندگی میتواند بر موجودیت استعمار در یک کشور صحنه بگذارد و حضور بیگانگان برای غصب سرزمین و کشتار مردم یک نعمت الهی تلقی گردد. اینکه در افغانستان بیش از مدت ۳۰ سال خون می چکد و انسان ها به هلاکت میرسند، برای چند تن از فرومایگان تاریخ در قالب کلمات دینی و یا جمله پردازی های کاذب انقلابی و یا گفتار میان تهی غرب زدگان بی فرهنگ فرقی نمیکند. بگذار وطن منهدم شود و وطنداران بمیرند تا شهوت سیاسی و پولی میهن فروشان حرفوی فروکش کند. بگذار وطن منهدم شود تا چند تن از خاک فروشان بخاطر انهدام کشور باده سر کشند و شادمانی کنند. چه راه ها و تاکتیک ها را امپریالیسم جهانی می پیماید تا به ستراتیژی کامل خود یعنی اشغال و تداوم اشغال سرزمین ها متصرفه برسد؟ درینجا صرف به سه تاکتیک اشاره میکنم که امپریالیسم در حال کنونی در افغانستان پیاده کرده است. این تاکتیک ها ممد یکدیگرند و طور حلقوی و همزمان برای تامین مقاصد استعماری در عمل مورد استفاده میگیرند.

تاکتیک اول: دامن زدن اختلافات مذهبی

استعمار جهانی غرب ازین شیوه کلاسیک در انهدام جوامع عقب مانده اسلامی و غیر اسلامی استفاده شایانی نموده است. استعمار توانسته است که از طریق اجنت های (بومی و خارجی) خود در لافافه دین و مذهب، جوامع تحت سیطره را سالیان درازی در استیلای خود داشته و رشد فرهنگ و سیر تمدن آنها را به عقب اندازد. عنصر مذهب بسیار ماهرانه بازی میشود تا کسی نتواند بر ضد دین فروشان مسلکی از ترس تکفیر حرفی زند و قد علم کند. چنین طرز کار استعماری اکنون در کشور ما در جریان است، اما کسی جرئت نمیکند که معضله را در عمقش ارزیابی کند و نتایج منطقی از آن بدست آورد. افرادی به اصطلاح روشنفکر این و آنجا بنام دفاع از حقوق زن نعره می کشند، اما از اظهار معضله اصلی که حاکمیت بیگانگان و سلطه دست پروردگان بیگانه است عاجز می مانند و یا اینکه عمداً طفره میروند تا مورد غضب حاکمان خارجی قرار نگیرند. برای این گروه نابکار اینطور معضلات بسیار سطحی معلوم میشود و اصلاً نمیدانند که حقوق زن و مرد افغان زمانی میتواند تحقق یابد که افغانستان آزاد بوده و از قید هر گونه حاکمیت اجنبی درآمان باشد. این گروه نمیدانند که بین دین فروشان (سنی و شیعه) و امپریالیسم جهانی توافق های ناگسستگی موجود است و در حقیقت یکدیگر خود را پرورش داده و حمایت میکنند. این صرف کافی نیست که به حقوق احوال شخصیه شیعه اعتراض کرد و آنرا یک پدیده ضد حقوق زن دانست. دین فروشان سنی و دین فروشان شیعه در تدوین همچو قانون ضد حقوق بشر باهم در توافق اند و از منافع یکدیگر پشتیبانی میکنند و الی صدای ناهنجار ربانی سنی و سیاف وهابی بلند میشد که نشد و نارضایتی دو مکار تاریخ حضرت و نقیب هم بلند میگردید که اینطور هم نشد.

در سطوح پائین، امپریالیسم سعی میکند که با نیرنگ اختلافات مذهبی را دامن زند و بی نظمی را بر کشور برنگ دیگری حاکم سازد تا حقانیت موجودیت استعمار برای به اصطلاح "تأمین امنیت" تحقق یابد. افراد دیگری بدون دانش و فهم فقهی و با تعصب و تحجر فکری، حقوق احوال شخصیه شیعه را به باد انتقاد میگیرند و آنرا زن ستیز می نامند، اما از عقب گرانی طالبی و زن ستیزی سیاف و ربانی حرفی نمیزنند. اینکه استعمار در براه انداختن قصده معضلات اجتماعی تا چه اندازه فعال است، برای این گروه کاسه لیس و بلی گویان نه قابل درک است و نه فرقی میکند. استعمار و مزدوران آن بر نادانی ما می خندند و ابراز وجد و سرور میکنند. پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" با درک درست از عمق توطئه های استعمار جهانی، اعلامیه خود را در آغاز صادر کرد و هموطنان را از تفتین بیگانگان و مزدوران داخلی شان آگاه ساخت. تاریخ بزودی بر رسالت تاریخی پورتال مبارز "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مهر تائید خواهد گذاشت. حقوق زن افغان صرف در زدودن حقوق احوال شخصیه در فقه شیعه تأمین نمیشود، بلکه در رهایی کشور از زنجیر استعمار جهانی و انهدام مزدوران دین فروش آن تثبیت میگردد.

تاکتیک دوم: دامن زدن اختلافات قومی

امپریالیسم به ضعف جوامع عقب مانده و ناتوان پی برده و ازین خلأ برای پیشبرد مقاصد استعماری خوب مستفید میشود. یک افغانستان و عراق اشغال شده بهترین طعمه برای کارگزاران استعمار جهانی محسوب میگردد. نیرو های مهین فروش داخلی در افغانستان با طرح های استعماری در انهدام وحدت ملی و درهم شکستن تساند و همبستگی اقوام کشور با متجاوزین همکاری می نمایند. قوای اشغالگر سوسیال امپریالیسم شوروی با روش تفرقه بیانداز و حکومت بکن، تخم کین و نفرت را در اجتماع ما کاشتند. از تره کی تا نجیب، نظام مزدور مسکو با هدف خاص انهدام وحدت ملی، اقوام را بجان هم انداختند تا بدینوسیله فرمانروایی شوروی محکمتر شود و نظام دست نشانده مسکو در کابل چند روز بیشتر بجا نماید. امروز هم امپریالیسم غرب با عین تاکتیک در صحنه سیاسی و نظامی افغانستان ظاهر میگردد تا با حمایت دشمنان داخلی این کشور را از بنیاد منهدم نمایند و جای پای دایمی درین سرزمین بیابند. گزارش ها حاکی است که متجاوزین در افغانستان با صرف گزاف پول دست به خلق میلیشیا های قومی میزنند طوریکه در عراق هم به چنین اقدام ضد بشری متوسل شدند.

هدف از تشکیل میلیشیا ها دامن زدن جنگ قومی در افغانستان است. فیودال های قومی و نظامی هم برای بقای خویش با متجاوزین همکاری اند و آب در آسیاب استعمار میریزند. بطور مثال در میدان شهر، میلیشیا های هزاره را تشکیل کرده اند تا آنها را علیه طالبان پشتون به میدان جنگ بکشانند. این تصادمات، خصومت قومی را شدت می بخشد و آنرا تا مرحله انفجار می کشانند. بعید هم نخواهد بود که روزی از میلیشیا های پشتون در هم کوبیدن سایر اقوام استفاده شود. در زمان ببرک و نجیب هم عین شیوه بکار برده میشد و از میلیشیا های پشتون و هزاره و ازبک و تاجک بر ضد یکدیگر استفاده می گردید که تا امروز نتایج زیان بخش خدمات غیر شرافتمندانه خلقی ها و پرچمی ها را با شرکای ستمی و مذهبی شان می بینیم. افغانستان هنوز از آن مرحله خیانت و مصیبت رهایی نیافته است که باردیگر در قعر قوم پرستی های زیان آور و تباه کن فرو میرود. امپریالیسم جهانی سعی نهانی خود را دارد که با حفظ حالت فعلی در کشور و عمق بخشیدن به کشمکش های قومی، تسلط خود را بر کشور ما تحکیم بخشد و نظام مزدورش را در کابل سر پا نگهدارد. میخواهم بدانم که آیا فریب خوردگان درگاه استعمار این بازی را در حیات سیاسی کشور ما دفاع می نامند یا اشغال؟

تاکتیک سوم: استفاده از تحصیل یافتگان بی هویت

استعمار جهانی از هر نوعی که باشد فعالیت خود را منحصر به دامن زدن کشمکش های مذهبی و قومی منحصر نمیسازد، بلکه بهره برداری از افراد باسواد و یا کم سواد در تائید اشغال سرزمین های متصرفه هم جز تاکتیک امپریالیسم جهانی محسوب میشود. این روش باعث میشود که نفرت جامعه نسبت به همه تحصیل یافته ها بیشتر شده و دشمنی های داخلی شدید یابد. کی محاسبه خواهد کرد که همه درس خوانده ها مانند ببرک، امین، کرزی و یا جلالی نیستند و این درست مرامی است که استعمار در ذهن خود می پروراند و در خورد مردم میدهد. ما دیدیم که چطور وطنفرشان خلقی و پرچمی همراه با سایر جناح های مربوط در خدمت سوسیال امپریالیسم شوروی قرار گرفتند و زیر شعار های خدمت به "خلق" چه جنایاتی نبود که مرتکب نشدند. همین ها بودند که مهر تائید به تجاوز قوای سوسیال امپریالیسم شوروی گذاشتند و کاذبانه گفتند که برادران شوروی برای دفاع آمده اند که افغانستان را از شر "امپریالیسم جهانخوار آمریکا"، پاکستان، ایران و اشرار نجات دهند. این حرف های میان خالی جانی را نگرفت و نتوانست که ملت افغان را از مبارزه مقدس ضد استعماری شان باز دارد. اکنون از همین قماش مردم (علمی، گلابزوی و سایرین) خود را در خدمت کشوری قرار داده اند که روزی آنرا "امپریالیسم جهانخوار" می نامیدند. فرد دیگری بنام دستگیر پنجشیری تنها به خدمت اجانب اکتفا نکرد، بلکه خود را در شکم "امپریالیسم جهانخوار" انداخت

و حال به زندگی پر از ننگ و غیر شرافتمندانه خویش در امریکا ادامه میدهد و فخر میفروشد. سایر بازماندگان سیاسی این دو جریان ضد ملی در شهر های اروپائی به عیاشی و خوش گذارنی مصروف اند و دعای سر امپریالیسم را میکنند .

در پهلوی این ناکسان تاریخ، گروه دیگری از تحصیل یافتگان به اصطلاح پیرو و حامی دموکراسی امریکا، ادعا دارند که امریکا و متحدین برای دفاع از افغانستان به این کشور تشریف فرما شده اند. این گروه اظهار میدارند که افغانستان بیک "الگوی دموکراسی امریکا" مبدل شده و ما باید حد اکثر استفاده را ازین حالت بنمائیم و شکر خدا را بجا آوریم. بین ادعا های این دو گروه تحصیل یافته حامی سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا کمترین تفاوتی در معنی وجود ندارد، بلکه تنها تفاوت در ادای کلمات و طرز جمله بندی هاست. این دو جناح ضد ملی و ضد میهنی اکنون با هم تشریک مساعی دارند و از حمایت دین فروشان و ستیزه جویان قومی هم مستفید میگردند. جلالی کاندید ریاست جمهوری دولت مستعمراتی کابل، از پشتیبانی يك تعداد خلقیان و پرچمیان برخوردار است و برای رسیدن به هدف نزد هر دین فروشی زانو میزند. سایت های ضد ملی و افراد بی خبر از جریانات سیاسی کشور که روزی از کرزی حمایت میکردند و به تزرع می گفتند که "گرچه کرزی انسان بد است، اما به لحاظ خدا او را حالا چیزی نگویند"، اکنون به نفع جلالی و یا دیگر سرسپردگان استعمار داخل صحنه شده اند. از تعلقات جلالی به اجانب هم هموطنان ما آگاه اند. حالت سایر تفاله های استعمار مانند احدی، عبدالله و غنی احمد زی و دیگر انقیاد طلبان بهتر از جلالی نیست و همه سر طاعت و بردگی به درگاه امپریالیسم گذاشته اند.

براه انداختن کنفرانس دویی، به هدایت استعمار، بتاريخ ۱۴ و ۱۵ مارچ ۲۰۰۹، که در آن فاسد ترین، مرتجع ترین و خاین ترین عناصر بشمول خلیل زاد، جلالی، عبدالله حضور داشتند، مبین توطئه های عمیق در قبال افغانستان است. درین کنفرانس نام نهاد، اشغال افغانستان مورد تائید فروخته شدگان قرار گرفت و اشتراک کنندگان ادعا کردند که "افغان ها به سربازان نیرو های بین المللی به عنوان اشغالگر نگاه نمیکنند." ازین کنفرانس مؤید استعمار نمیتوان چیزی دیگری متوقع بود بجز تسلیم به اوامر استعماری. امپریالیسم فقط میخواست که با چنین جلوه گری سیاسی بر کلیه اعمال ضد بشری خود در افغانستان حقانیت دهد و اشغال وطن ما را برحق شمارد. استعمار نمیتوانست کسانی بهتری را نسبت به شرکت کنندگان میهن فروش درین کنفرانس بیابد. همین نوع باسوادان کمزاد اند که کشور را بسوی برپادی سوق داده و شیرازه وحدت ملی را منهدم کرده اند. دست این گروه ضد میهنی تا شانه در خون مردم افغانستان سرخ است و مانند هر دین فروش و تروریست قابل محاکمه اند.

پس هموطنان! مشاهده می نمائیم که استعمار جهانی غرض تکمیل و رسیدن به اهداف ضد بشری خود در افغانستان، در پهلوی يك نظام دست نشانده در کابل، گروه های مختلفی را هم برای انهدام وحدت ملی افغانها و انهدام کشور ما خلق کرده است. هر يك ازین گروه ها وظایف مشخصی برای به زانو درآوردن افغانستان دارند و اما در عین وقت يك همکاری حلقوی را در جهت حمایت از استعمار و تداوم اشغال کشور تشکیل داده اند. اینکه چه راهی را مردم ما در حفظ آزادی و استقلال کشور شان می پیمایند، خود تصمیم خواهند گرفت .